

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی
۰۱ سپتمبر ۲۰۲۲

افغانستان جولانگه اشغالگران و جنگ طلبان

(بخش دهم)

سفر خروشچف و بولگانین به افغانستان در ۱۹۵۵ نقطه عطفی در روابط دو کشور محسوب می‌شد. در پی این سفر حجم وسیعی از کمک‌های شوروی و متحدان آن به افغانستان سرازیر گردید.

روند سوسیالیزه شدن ادبیات و فرهنگ، ارتش، اقتصاد و سیاست در کابل و دیگر مراکز شهری افغانستان سرعت و شتاب یافت به طوری که حدود ده سال پس از سفر خروشچف در ۱۹۶۵ حزب دموکراتیک خلق توسط گرایش‌ها چپ اعلام موجودیت کرد.

اما حزب دموکراتیک خلق افغانستان به دلیل اختلافات زبانی، قومی و تاکتیکی در ۱۹۶۷ به دو شاخه «خلق» و «پرچم» منشعب گردید، اما در مقایسه با جریان‌های دیگر چپ مانند شعله جاوید و ستم ملی که گرایش «مائوئیستی» داشتند، پر نفوذ شد. کودتای داوود خان علیه پسر عمویش ظاهرشاه در جولای ۱۹۷۳ اساساً با حمایت بخش نظامی شاخه پرچم که جوانان تحصیل یافته در شوروی بودند، به پیروزی رسید.

اشاره داوود خان به چپ‌ها به عنوان «رفقاء» در نطق پس از پیروزی‌اش، باعث شد که مطبوعات غرب این کودتا را طرفدار شوروی قلمداد کنند.

با وجود این که روابط شرق و غرب از ۱۹۵۳ با روی کار آمدن خروشچف و آیزنهاور وارد مرحله تنش زدائی شده بود، اما دو قدرت حوزه نفوذ همدیگر را تا حد زیادی رعایت می‌کردند و جابه‌جائی مهره‌ها چندان سهل نبود. در چنین روندی داوود خان نیز از ۱۹۷۵ پس از بیست سال دوستی با شوروی عزم چرخش در سیاست خارجی و برقراری روابط دوستانه با متحدین امریکا در منطقه را کرده بود. اما دیگر دیر شده بود و خلق و پرچم پس از ده سال جدائی در ۱۹۷۷ تحت فشار شوروی و احزاب به اصطلاح کمونیستی منطقه مجدداً متحد گردیده و طرح کودتای هفت ثور سال ۱۹۷۸ را طراحی کردند.

حکومت جدید خود را «سوسیالیستی» می‌دانست و زمینه حضور بیش از پیش مستشاران شوروی در افغانستان را فراهم کرده بود. هر چند اختلافات خلق و پرچم دوباره آغاز شد و منجر به تصفیه پرچمی‌ها گردید. اما نفوذ شوروی در افغانستان افزایش یافت.

در ۳ دی-جدی- ۲۴-۱۳۵۸ دسامبر ۱۹۷۹، به فرمان لئونید برژنف رهبر وقت شوروی، سپاه چهلیم این کشور وارد افغانستان شد. در نهایت در دوران میخائیل گوربچف آخرین رهبر این کشور، عقب‌نشینی در ۲۵ اردیبهشت- ثور- ۱۵-۱۳۶۷ می ۱۹۸۸، آغاز و آخرین گروه در ۲۶ بهمن- دلو- ۱۵-۱۳۶۷ ف بروری ۱۹۸۹، از افغانستان خارج شدند. این جنگ بیش از یک میلیون کشته و نزدیک به پنج میلیون مهاجر و آواره بر جای گذاشت. گروه‌های مجاهدین که علیه دولت افغانستان و اشغال کشور فعالیت داشتند، مورد پشتیبانی‌های مالی و نظامی از منابع مختلف از جمله امریکا، عربستان سعودی، بریتانیا، پاکستان، ایران، مصر، اندونزی، کانادا، جمهوری خلق چین و دیگر کشورها قرار داشتند. در مقابل دولت افغانستان مورد پشتیبانی هند نیز قرار گرفته بود. جنگ افغانستان نقطه عطف مهمی در دوران جنگ سرد محسوب می‌گردد و همچنین سهم بزرگی بر پایان جنگ سرد داشت.

در اثر روند طولانی جنگ، جنگ افغانستان به «جنگ ویتنام شوروی» تشبیه شده و از دیگر نام‌های مشهور آن «تله خرس» بود. نیروهای شوروی از افغانستان خارج شد اما میراث مخرب جنگ این کشور ادامه بی‌ثباتی و ناامنی در عرصه جنگ داخلی بود.

در هر صورت در فضای جدید امریکا و متحدین منطقه‌نشانی از مجاهدین افغان حمایت می‌کردند و به همین دلیل حضور شوروی در افغانستان را به نبرد فرا خواندند. نهایتاً با خروج شوروی از افغانستان در ۱۹۸۹ و سقوط دولت مورد حمایتش در ۱۹۹۲ امریکا انتقام شکست در ویتنام را از شوروی در زمین افغانستان گرفت.

طالبان یک حزب و یک سازمان نیست بلکه یک جنبش قوی و منسجم ارتجاعی است که در جنگ و گریز تبحر و تجربه کافی دارند و جنگجویان حرفه‌ئی هستند.

طالبان در سال ۱۹۹۶ کابل را تصرف کردند و حکومت «امارت اسلامی افغانستان» را اعلام کرد. تنها سه کشور پاکستان، امارات متحده عربی و عربستان حکومت طالبان را به رسمیت شناخته بودند.

در حدود سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۴ میلادی و در جریان جنگ‌های داخلی افغانستان، زمزمه تشکیل گروهی متشکل از طلبه‌های دینی در مدارس تحت حمایت عربستان در پاکستان شنیده شد. این گروه نام تحریک اسلامی طلبا (جنبش اسلامی طالبان) بر خود گذاشت و با شعار «اجرای شریعت اسلامی» و مقابله با آنچه شر و فساد در افغانستان می‌خواند از مرز جنوبی به افغانستان رخنه کرد و به سرعت شهرها و ولایت‌های مختلف را به تصرف خود درآورد.

در میانه آن دهه، یعنی در سال ۱۹۹۵، طالبان به بزرگترین پیروزی خود تا آن زمان دست یافت و موفق شد ولایت ستراتیژیک هرات در مرز ایران و ترکمنستان را تسخیر کند.

یک سال بعد در ۱۹۹۶، آن‌ها موفق شدند پایتخت، کابل، را تسخیر کنند. برهان الدین ربانی، رئیس وقت دولت مجاهدین، با سقوط کابل، مقر دولتش را به مزارشریف منتقل کرد که آنجا هم اندکی بعد سقوط کرد.

یکی از اولین کارهایی که طالبان در پایتخت انجام دادند، کشتن محمد نجیب‌الله، آخرین رئیس جمهور تحت حمایت شوروی بود که به دفتر ملل متحد پناهنده شده بود.

تا سال ۱۹۹۸، طالبان تقریباً بر ۹۰ درصد خاک افغانستان تسلط یافته بود و نیروهای ائتلاف ضد طالبان، موسوم به ائتلاف شمال، به فرماندهی احمدشاه مسعود همچنان به مقاومت در پنجشیر و شمال شرق کشور ادامه می‌دادند.

طالبان در مناطق تحت کنترل خود، قوانین سخت‌گیرانه‌ای از شریعت اسلامی را عملی کرد. زن‌ها اجازه کار و آموزش یا بیرون رفتن از خانه بدون همراهی یک عضو مرد خانواده نداشتند. مردان باید لباس محلی می‌پوشیدند و ریش انبوه می‌گذاشتند و موهای‌شان را کوتاه می‌کردند. تلویزیون، سینما، تئاتر، موسیقی و عکاسی ممنوع بود. تقویم

افغانستان از هجری خورشیدی به هجری قمری تغییر کرده بود، و مجازات‌های خشنی مانند قطع دست و سنگسار انجام می‌شد.

طالبان به عنوان یک گروه تحت حمایت پاکستان شناخته می‌شود. بعد از مرگ ملا محمد عمر، رهبر مؤسس این گروه، ملا اختر محمد منصور رهبر این گروه تعیین شد که در سال ۲۰۱۶ در خاک پاکستان در یک حمله هوایی بی‌سرنشین امریکایی کشته شد. بعد از او ملا هیبت‌الله این گروه را رهبری می‌کند.

طالبان به بهانه زدودن «شر و فساد» از جامعه در دولت «برهان‌الدین ربانی و احمدشاه مسعود» کابل را تصرف کرد. از همان روزهای نخست ظهور و حاکمیت طالبان روشن شد که آن‌ها آمیزه‌ای از افراط‌گرایی مذهبی، قبیله‌گرایی، نژادپرستی و افزار دست سرویس اطلاعاتی پاکستان هستند.

طالبان متشکل از نیروهای مختلف ارتجاعی اسلامی، تروریست، جنگ‌طلب، بیگانه با هرگونه آزادی و برابری و عدالت اجتماعی است که با حمایت پاکستان، اعراب و دیگر سازمان‌های اطلاعاتی منطقه و جهان بر افغانستان سلطه یافتند و سیاه‌ترین و فاجعه‌بارترین روزها را برای مردم تحت افغانستان به بار آوردند.

دولت طالبان با زن‌ستیزی، آزادی‌ستیزی، تفکر قبیله‌ئی، مدنی‌گرایی، ضدیت با حقوق انسان و عدالت اجتماعی به همراه بوده است.

طالبان، بر این عقیده اند که زنان دشمن عفت عمومی جامعه هستند. طالبان می‌پندارند که مجموع بلاهای اجتماعی زاید طرز راه رفتن، آرایش، دستان لخت، صدای زنان و... است. در اندیشه ارتجاعی طالبان، گناه به آتش کشیدن یک روستا، انفجار یک مکان عمومی، کشتن معلم، دانش‌آموز، خبرنگار و... ناچیزتر از گشت و گذار آزادانه زنان در اجتماع است. برای همین، آن‌ها اولی را برای جلوگیری از وقوع دومی انجام می‌دهند. زن از نظر طالبان منشأ گناه و علت سستی ایمان جوامع اسلامی است.

به اعتراف محمداشرف غنی، طالبان فقط در دولت او ۴۵ هزار سرباز افغانستان را کشته‌اند. با در نظر گرفتن این آمار، تمام سال‌های هزاره سوم که طالبان در حال کشتار و خونریزی بوده‌اند، محاسبه کنید تا عمق فاجعه و دستاورد طالبان برای مردم افغانستان چقدر دردناک و بزرگ بوده است.

با این وجود دولت رئیس‌جمهوری محمداشرف غنی به قوم‌گرایی متهم است. هم دولت محمداشرف غنی و هم دولت رئیس‌جمهوری پیشین حامد کرزی، طالبان را «برادر» خوانده‌اند. سیاست مبهم در برابر طالبان، حالت دفاعی در برابر آن‌ها، نبود سیاست امنیتی مشخص علیه طالبان از ویژگی‌های دولت‌های کرزی و غنی است.

اکنون هم امریکا و هم دولت کابل بر سر آزادی‌های محدود مردم افغانستان، با طالبان وارد مذاکره و چانه‌زنی شدند و اکنون به نظر می‌رسد آن‌ها قصد دارند افغانستان را دوباره دودستی تقدیم طالبان کنند.

آرامش و امنیت و صلح در افغانستان، یکی از آرزوهای نسل جوان به ویژه زنان این کشور است. به همین دلیل نسل جدید، امتیازدهی به طالبان و تسلیم‌شدن به طالبان را شرم‌آور، اندوه‌بار و خیانت به بشریت و ارزش‌های انسانی و اجتماعی می‌دانند.

آنچه برای این نسل مهم است، حفظ ارزش‌های انسانی همچون امنیت، دموکراسی، آزادی بیان، آزادی‌های فردی و جمعی و حقوق زنان است. تلاش نسل جدید رسیدن به افغانستان دموکراتیک و تحقق آزادی و عدالت اجتماعی است. در عین حال نسل جدید هراس دارد که طالبان دوباره ستم مذهبی و ملی راه بیندازند و فضای عمومی را برای آنان تنگتر و سیاه‌تر کنند.

در هر شرایطی مردم افغانستان کارنامه خونین و ضد انسانی طالبان را هیچ‌گاه فراموش نخواهند کرد.

گروه طالبان به محض این‌که جو بایدن، رئیس‌جمهوری امریکا، اوایل ماه مه ۲۰۲۱ اعلام کرد که تمام نیروهای امریکائی را تا ۱۱ سپتمبر سال جاری از افغانستان خارج خواهد کرد، حملات شدید خود را در سراسر کشور و به ویژه در شمال آغاز کرده است.

در سال ۱۹۹۸ و در پی بمب‌گذاری شبکه القاعده در دو سفارت امریکا در شرق افریقا، بیل کلینتن رئیس‌جمهور وقت امریکا دستور داد کمپ‌های آموزشی القاعده در ولایت خوست افغانستان هدف حمله هوائی قرار گیرد؛ حمله‌ای که آسیبی به اسامه بن‌لادن و دیگر رهبران القاعده نرساند.

در سال ۲۰۰۰، فشارهای امریکا به طالبان برای تحویل دادن رهبران القاعده شدت یافت و سازمان ملل متحده این گروه را تحریم کرد.

در اوایل سال ۲۰۰۱، طالبان دو پیکره تاریخی بودا در بامیان را منفجر کرد.

در سپتمبر ۲۰۰۱، دو عضو گروه القاعده، متحد طالبان، احمدشاه مسعود، فرمانده ارشد ائتلاف شمال را در ولایت تخار ترور کردند؛ واقعه‌ای که بشدت باعث کاهش روحیه نیروهای مخالف طالبان شد.

در ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱، ورق به زیان طالبان برگشت. القاعده که طالبان به رهبرانش پناه داده بود و حاضر به تحویل دادن آن‌ها نبود، با هواپیماهای مسافربری ربوده شده، به اهدافی در نیویورک و واشنگتن حمله کرد و هزاران نفر را کشت.

یک ماه طول نکشید که امریکا در رأس ائتلافی از کشورهای متحدش، به طالبان حمله کرد و تا هفته اول دسمبر ۲۰۰۱، این گروه از قدرت ساقط شد.

با وجود عملیات گسترده جست‌وجو، امریکا و متحدانش موفق به دستگیری رهبران عمده گروه طالبان، از جمله ملا محمد عمر نشدند و آن‌ها بر اساس گزارش‌ها به کویته پاکستان گریختند و از آن‌جا به هدایت گروه طالبان ادامه دادند.

در سال‌های اولیه پس از سقوط طالبان، آرامش نسبی به افغانستان بازگشت، کودکان دختر و پسر به مدرسه برگشتند، زنان اجازه کار یافتند، رسانه‌های آزاد روزبه‌روز بیشتر شدند و هم‌زمان تشکیل و تقویت نهادهای حکومتی و دموکراتیک هم در جریان بود؛ از جمله تصویب قانون اساسی، تشکیل ارتش، برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی و انجام روند خلع سلاح گروه‌های غیرمسئول در کنار تشکیل و تقویت ارتش و پولیس ملی.

اما در عین حال هم سیاست‌های اشغال‌گری امریکا و نیروهای ناتو و دولت دست‌نشانده این آن‌ها، تیره و پرابهام و آلوده به فساد بود. در نتیجه این مسایل بازگشت مجدد طالبان به افغانستان را فراهم کرد.

در طول سال‌های بعد، و بیشتر بعد از ۲۰۰۶، حملات و بمب‌گذاری‌های طالبان بیشتر و پیچیده‌تر شد و کمتر جایی در افغانستان از گزند این حملات در امان ماند، حتی اگر ریاست جمهوری، وزارت‌خانه‌ها و مقر نیروهای ناتو در افغانستان هم هدف حمله طالبان قرار گرفت.

کار به جایی رسید که امریکا که می‌گفت با هدف حذف طالبان و حمایت و تقویت دموکراسی به افغانستان آمده، پذیرفت با این گروه سر میز مذاکره بنشیند و سرانجام در ۲۹ فیوروری ۲۰۲۰، توافق صلح طالبان و امریکا بر مبنای خروج نیروهای خارجی از افغانستان و رفتن به طرف مذاکرات بین‌افغانی امضاء شد.

قرار بود گروه طالبان و دولت افغانستان تا پیش از خروج کامل نیروهای امریکائی، مذاکرات صلح را ادامه دهند و سر نقشه راه سیاسی آینده کشور به توافق برسند. اما پس از ماه‌ها اما و اگرها و چانه‌زنی‌ها، هیچ پیشرفتی در میز مذاکره صورت نگرفت و دو طرف روی گزینه نظامی متمرکز شده‌اند.

بیشروی طالبان، بیم شدیدی را میان مدیران امنیتی نهادهای دفاعی افغانستان نیز پدید آورده است. کاهش و قطع حمایت هوایی ناتو که نقش ضربتی در پس زدن حملات طالبان را ایفا می‌کرد نیز بر روحیه سربازان تأثیر بدی گذاشته است. هفته گذشته گروه طالبان حملات شدیدی را در ولایت‌های تخار، قندوز و بدخشان که با تاجیکستان مرز مشترک دارند، آغاز کرد. در بسیاری از این شهرستان‌ها هیچ جنگی نشد و مقام‌های محلی از شهرستان‌ها خارج شدند. فرار مقام‌های محلی از جمله فرمانداران و فرماندهان پولیس روحیه سربازان را نیز در هم شکست و سربازان هم عقب‌نشینی کردند. در برخی مناطق فرمان عقب‌نشینی تکتیکی داده شد تا از «تلفات غیرنظامی» جلوگیری شود. در بجنوبه حمله طالبان سربازان افغان در گمرک شیرخان بندر در مرز تاجیکستان پی بردند که فرماندهان آن‌ها پاسگاه‌های امنیتی را رها کرده و فرار کرده‌اند. آن‌ها درگیر جنگ با طالبان بودند و تعدادی از هم‌زمان‌شان مجروح شده بودند.

اغلب کادرها و رهبران طالبان را دست‌پروده «آی، اس، آی» پاکستان است. همه آن‌ها شست و شوی مغزی داده شده‌اند. پس از اعلام خروج نیروهای امریکا و ناتو از افغانستان و نزدیک شدن روزهای پایانی این روند، جنگ طالبان با نیروهای امنیتی و دفاعی افغان در شماری زیادی از استان‌های این کشور شدت گرفته است و در دو ماه گذشته طالبان توانسته‌اند شمار زیادی از مناطق این کشور را نیز از کنترل نیروهای امنیتی و دفاعی افغان خارج کنند و به تصرف خود درآورند.

نگرانی‌ها در مورد بدتر شدن وضعیت افغانستان و احیای دوباره گروه طالب - داعش در این کشور در حالی افزایش یافته است که شماری از کشورهای جهان به ویژه همسایه‌های افغانستان میزبان نماینده طالبان شده‌اند. در عین حال طالبان اصلی‌ترین طرف جنگ افغانستان هست.

گروه طالبان مدعی است که بیش از ۸۵ درصد خاک کشور را تحت کنترل گرفته است، اما دولت افغانستان آن را تبلیغات توخالی می‌داند و ادعا دارد تنها ۸۰ شهرستان از میان ۴۰۰ شهرستان سقوط کرده است که اهمیت ستراتیژیک ندارد.

حمدالله محب، مشاور امنیت ملی افغانستان، هفته گذشته در جلسه خبری در کابل اعلام کرد: «جنگ است و فشار وجود دارد. گاهی اوضاع به نفع است و گاهی هم به نفع ما نیست.»

تاکنون مقامات افغان و امریکائی بارها جمهوری اسلامی ایران، مخصوصاً سپاه پاسداران را به حمایت مالی و تسلیحاتی از طالبان متهم کرده‌اند.

همکاری امنیتی جمهوری اسلامی ایران و طالبان در عین حال از دشمنی مشترک آن‌ها با نیروهای امریکا و غرب نیز نشأت می‌گیرد که در افغانستان حضور دارند.

از سال ۲۰۱۵، جمهوری اسلامی ایران همکاری پنهانی خود با طالبان را افزایش داد. چرا که بخش‌هایی از نواحی مرزی دو کشور در اختیار این گروه است. این همکاری پنهانی در عین حال به گسترش روابط دیپلماتیک نیز منجر شد. حد و حدود روابط طالبان با ایران هنگامی مشخص شد که ملا اختر منصور، رهبر این گروه، هنگامی که در ماه مه ۲۰۱۶ از ایران به پاکستان باز می‌گشت، در حمله پهپادی امریکائی کشته شد.

ایران نخستین بار در اواخر ۲۰۱۸ اذعان کرد که میزبان فرستادگان طالبان بوده است. به ادعای مقامات جمهوری اسلامی، دولت افغانستان در جریان این دیدارها بوده است و هدف مذاکرات را «حل و فصل مشکلات امنیتی در افغانستان» اعلام کرد.

شایان ذکر است که عصر روز هفدهم مرداد-اسد- ۱۳۷۷ شهر مزار شریف به کنترل کامل طالبان درآمد. در پی سقوط شهر مزار شریف توسط طالبان، مقر کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در این شهر هدف حمله قرار گرفت و دیپلمات‌های این کشور ناپدید شدند. بعداً گزارش شد که این دیپلمات‌ها کشته شده‌اند. جمهوری اسلامی ایران گروه طالبان را مسئول کشتار این دیپلمات‌ها اعلام کرد ولی این گروه در آن زمان مدعی شد که این کشتار توسط «نیروهای خودسر» انجام شده است.

براساس گزارش‌ها دو تن از کارمندان کنسولگری در آن زمان به گروگان گرفته شده بودند که بعداً آزاد شدند. منابع ایرانی گفته‌اند «محمد حسین جعفریان و امیر فرشاد ابراهیمی از جمله کارمندان رایزنی خانه فرهنگ ایران در مزار شریف بودند که در لحظه حمله به مقر کنسولگری در بیرون از ساختمان کنسولگری بودند و پس از حمله، مخفیانه به ایران بازگشتند.»

قبل از این واقعه، جمهوری اسلامی ایران از نیروهای «جبهه متحد» معروف به ائتلاف شمال به رهبری برهان‌الدین ربانی و به فرماندهی احمدشاه مسعود حمایت سیاسی و نظامی می‌کرد و مزار شریف تبدیل به مرکز نیروهای ائتلاف شمال شده بود.

کشته شدن این دیپلمات‌ها خشم جمهوری اسلامی ایران را برانگیخت و این کشور هفتاد هزار نیرو را برای انجام آزمایشات نظامی به مناطق مرزی با افغانستان فرستاد و تهدید کرد که «از طالبان انتقام خواهد گرفت.»

در پی توافق سال ۲۰۲۰ میان طالبان و آمریکا برای خروج نیروهای این کشور از افغانستان، ایران از واشنگتن به خاطر بها ندادن به مذاکرات بین دولت افغانستان و طالبان انتقاد کرد. اما محمد جواد ظریف، وزیر خارجه جمهوری اسلامی، در سخنانی عمومی اعلام کرد که «طالبان قطعاً بخشی از آینده افغانستان است، ولی نه همه آن.» طالبان نیز لحن آشتی‌جویانه‌ای در قبال بخش بزرگتری از رسانه‌های ایران اتخاذ کرده‌اند. مجاهد در مصاحبه اخیر خود با خبرگزاری ایلنا گفت جنگ داخلی و نداشتن تجربه باعث شد که این گروه نتواند در دوره حکومت خود بر افغانستان روابط خوبی با ایران ایجاد کند. به گفته او طالبان دارد «رفتار خود را عوض می‌کند» و حالا فرق زیادی با حضيض روابط ایران و طالبان در سال ۲۰۰۰ دارد.

طالبان گذرگاه «اسلام قلعه» در مرز ایران و افغانستان را تصرف کردند. روز جمعه ۹ جولای ۱۸- تیر-سرطان-، گروه طالبان اعلام که کنترل گذرگاه «اسلام قلعه» را در دست گرفته است. این گذرگاه در مرز ولایت هرات افغانستان با ایران قرار دارد. همزمان، فعالیت‌های بازرگانی میان ایران و افغانستان موقتاً متوقف شده است. ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی گروه طالبان در توییتری نوشت که جنگجویان این گروه گذرگاه «اسلام قلعه» ولایت هرات را تصرف کرده‌اند.

شماری از منابع خبری به نقل از برخی مقام‌های افغانستان گزارش دادند که گذرگاه «اسلام قلعه» در کنترل گروه طالبان قرار دارد و شماری از نیروهای امنیتی و گمرکی به خاک ایران پناه برده اند.

براساس گزارش خبرگزاری «ایسنا»، روح‌الله لطیفی، سخنگوی گمرک ایران گفت: «از عصر پنجشنبه ۱۷ تیر-سرطان- و متأثر از تحولات صورت گرفته در کشور افغانستان، در اسلام قلعه ولایت هرات، در نزدیکی مرز مقابل دوغان‌خواران خراسان رضوی و همچنین گذرگاه ابونصر فراهی در ولایت فراه افغانستان در مقابل مرز ماهیرو در خراسان جنوبی، روند تجارت کشور با افغانستان متوقف شد.»

او از بازرگانان خواسته است که «تا اطلاع ثانوی از ارسال محموله‌های تجاری به مرزهای «دوغان‌خواران» و «ماهیرو» خودداری کنند.»

گذرگاه «اسلام قلعه» یکی از گذرگاه‌های مهم تجارتي و ترانزيتي افغانستان است که ميان ولايت هرات افغانستان و استان خراسان رضوي ايران قرار دارد. اين گذرگاه ۱۲۰ كيلومتر از شهر هرات فاصله دارد. هند بازي بزرگي را در روند تحولات افغانستان در پيش گرفته و همواره اعلام کرده است که به حضور در اين روند تمايل دارد.

اين کشور در در نومبر ۲۰۱۸ در اجلاس مسکو که نمايندگي از طالبان حضور داشتند نيز دو نماينده غير رسمي اعزام کرد. همچنين در سپتمبر ۲۰۲۰ «جی سنکر» وزير امور خارجه هند در جلسه آغاز مذاکرات صلح دولت افغانستان و طالبان در دوحه حضور يافت.

بر اساس گزارش فارين پاليسي، ستراتيجي قوي هند استفاده از قدرت نرم در افغانستان است که توانسته است به نزديکي هند و واشنگتن نيز کمک کند.

پيش از اين نيز «شيرمحمد عباس ستانکزي» رئيس تيم مذاکرهکننده طالبان گفته بود که اگر دولت هند ميخواهد پس از پايان اشغال افغانستان در صلح و بازسازي اين کشور گام‌هاي مثبتي بردارد طالبان از آن استقبال خواهد کرد.

به هر حال هند از نفوذ پاکستان در نظام آينده افغانستان نگران است و باوجود فشارهاي واشنگتن به اسلام‌آباد اما معتقد است که نقشه راه کنوني صلح افغانستان راه به جائي نمي‌برد.

هند به دنبال منافع گسترده در افغانستان است و به همين دليل سهم خود را در مذاکرات صلح دولت کابل و طالبان بازي خواهد کرد.

چهارشنبه نهم شهريور - سنبله - ۱۴۰۱ - سي و يکم اگست ۲۰۲۲

ادامه دارد.